

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۲ فبروری ۲۰۱۹

"باندارگ" و تقدیس فساد اداری

پنجشنبه- ۰۲ حوت ۱۳۹۷ - کابل: همان طوری که روز گذشته نوشتیم، به اصطلاح احقاق حق "عصمت الله" چیزی نبود به جز آغاز یک کمپاین انتخاباتی مبتذل از جانب باند های مربوط به "سرور دانش" و "غنی احمدزی" به نفع این دو نفر. چه گذشته از آن که "سرور دانش" به مانند جنرال "حسین خان هزاره" که به استناد جلد سوم کتاب معروف "سراج التواریخ" که در "امیر عبدالرحمان خان" شدن "سردار عبدالرحمان" بیشتر از هر کسی نقش داشت، می خواهد و تلاش می ورزد تا بعد از هر باد متعفن "غنی احمدزی" وی را به چهارزانو نشستن دعوت نموده، خود بر روی شکمش دست بکشد و چنان وانمود کند که گویا باد از وی بوده است، تعدادی از جیره خواران آن دو نفر نیز طی دو روز گذشته در سایت ها تلاش دارند تا این بوزینه های دست آموز استعمار را قهرمانان مبارزه علیه تبعیض معرفی بدارند. در اینجا قبل از آن که به بحث در این مورد و توطئه رسوای "باندارگ" بپردازم لازم است بنویسم که برای من نه تعلق قومی و تباری ارزش دارد و نه هم تعلقات زبانی و یا مذهبی و یا سمتی و ... چسپیدن به این نوع تعلقات را دون شأن انسانی و مبارزاتی خود دانسته، آشکارا و صریح می نگارم: **پیوند ها، حمایت ها و انزجارهایم را از افراد، مواضع ملی و طبقاتی آنها می سازد.** و اما به ارتباط مسأله "عصمت الله".

۱- خلاف تبلیغات کرکننده حواریون "باندارگ" مداخله "سرور دانش" و "غنی احمدزی" در قضیه اتلاف حق "عصمت الله" بیانگر جدیت آنها در رفع ظلم نیست، بلکه اذعان به شیوع فساد اداری تا بالاترین سطوح دولت نشانده می باشد. زیرا:

۲- از دو حالت خرج نیست:

الف- یا در حق "عصمت الله" ظلمی صورت گرفته و بر مبنای همان ظلم حق وی تلف شده بود، این حق تلفی می تواند دو منبع داشته باشد:

۱- ریشه این ظلم در قوانین و ساختار جذب افراد در مؤسسات تربیتی بوده، بدون آن که پای سلیق فردی و فساد فردی در میان باشد به اساس چیرگی فساد بر قانون و حاکمیت قوانین ضد انسانی و ضد ملی، چنین وضعیتی به وجود آمده است. در چنین صورتی مسلم است که "عصمت الله" نه اولین قربانی "ظلم قانون" بوده و نه هم آخرین آن خواهد ماند. آنهایی که اکنون مصروف اند تا به سرنای حمایت از "باندارگ" از سر کشاد آن بدمند، می توانند لطف نمایند بنویسند که در مورد رفع ظلم از سایر افراد چه برنامه ای دارند. اگر با هزاران حسن نیت نگریده شود

و بتوان با ابطال قانون سهمیه بندی از تکرار چنین افتضاحاتی در آینده جلوگیری نمود، برای آنهایی که در گذشته بر ایشان ظلم صورت گرفته چه تدبیری می تواند گذشته های آنها را باز گرداند؟؟

۲- نقش قانون و ساختار نبوده، بلکه مسأله سلیقه ها، تبعیض ها، فساد اداری در بروز چنین وضعیتی رول اساسی داشته داشته است، یعنی یک انسان فاشیست ضد هزاره در حق "عصمت الله" ظلم کرده وی را ناکام معرفی نموده است. در چنین صورتی مدافعان "باندارگ" می توانند بگویند که با عاملان و مجریان فساد، حاکمیت چه نوع برخوردی خواهد داشت؟ و به اصطلاح چند تن حد اقل خانه نشین خواهد گردید؟

ب- در حق "عصمت الله" ظلمی صورت گرفته، "سرور دانش" صدای وی را به "غنی احمدزی" رسانیده، "غنی احمدزی" هم که انسانیت به دور از تبعیض!!، قومگرایی!! و فردیست عاشق خدمت به هموطن!!، در اسرع وقت ممکن، نامبرده را نزد خود فراخوانده، بعد از دلجوئی وی را به آرزویش رسانیده است. در چنین صورتی:

۱- این همان سیستم ادارات فردیست که مرغ دزد را نیز نزد پادشاه می بردند تا پادشاه فرمان دهد که آیا دستش قطع شود و یا خیر؟ یعنی در این سیستم گذشته از این که تفکیک قواء یعنی ستون و پایه اساسی یک حکومت دموکراتیک وجود ندارد، چیزی به نام سلسله مراتب و تقسیم وظایف نیز وجود ندارد تا از بروز و شیوع فساد اداری جلوگیری شده بتواند.

۲- "عصمت الله" چون "سرور دانش" یعنی معاون دوم ریاست جمهوری را می شناخته، کارش راه حل مناسب یافته است، هرگاه از چنین شناختی برخوردار نمی بود، چه؟ اصولاً کدام فسادی بالاتر از این است که "معاون" نزد رئیس واسطه شود؟ و رئیس هم بدون در نظر داشت چه بسا صدها و هزاران مورد مشابه فرمان دهد که عارض شامل فاکولته شود؟

۳- ذات مراجعه "سرور دانش" به "غنی احمدزی" فقدان صلاحیت اجرائی "سرور دانش" و انحصار تمام قدرت حتا در حد احقاق حق یک محصل از جانب "غنی احمدزی" را گواهی داده، فسادی بالاتر از این در هیچ اداره ای نمی تواند وجود داشته باشد.

هموطنان گرامی!

طرفداران و حامیان چاپلوس و منتظر منصب و چوکی "باندارگ" هر چه می خواهند بگویند و بنویسند، گفته ها و نوشته های آنها به جز این که آنها را بیشتر افشاء و رسوا نماید، نتیجه دیگری ندارد. در این قضیه آنها در هر سمتی که بخواهند بلولند، جز تبلیغ برای فساد اداری نتیجه دیگری ندارد.

سرکها ما را می طلبد!!